

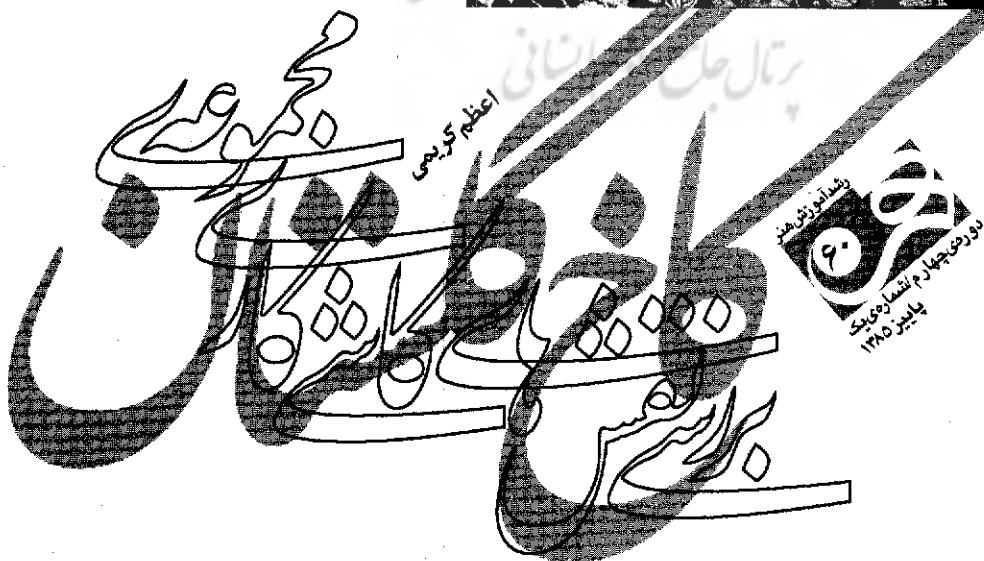
### چکیده

از دوران بسیار کهن، به کارگیری تزئینات لعابدار به صورت آجر و کاشی برای تزئین بنا، در سرزمین ایران متداول بوده است و قطعات کاشی زمینه‌ای بوده‌اند برای بیان تصویری و تجسم موضوعات متفاوتی که در هر دوره تحت تأثیر عوامل گوناگون، ویژگی‌های خاص خود را داشته‌اند. این عنصر تزئینی و به‌خصوص نقش‌های منعکس شده روی آن، در دوره‌ی قاجاریه و البته در اثر جریاناتی که پیش از این دوره آغاز شده بود، دستخوش تحولاتی گردید. کاشی‌های مجموعه‌ی کاخ گلستان و نقش‌های به تصویر کشیده شده بر آن‌ها نیز بخشی از تزئینات معماری متعلق به این دوره هستند که تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل گرفته‌اند و می‌توان با بررسی و پژوهش در نقش‌های متنوع کاشی‌های مذکور و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به عوامل گوناگون تأثیرگذار در شکل‌گیری آن‌ها پی برد.

**کلیدواژه‌ها:** کاشی، کاشی‌کاری، نقش، کاخ، گلستان، قاجار، شیوه، غرب، سنت، هنر، ایران

### مقدمه

معماری ایرانی همواره توأم با تزئین بوده است. این ویژگی قرن‌ها در معماری ایران از دوره‌های پیش از اسلام دیده می‌شود و تا دوره‌ی قاجار تداوم دارد. در این میان، کاشی‌کاری با سابقه‌ی طولانی‌اش در سرزمینمان، نقش مهمی را در این زمینه ایفا کرده است. این عناصر تزئینی کتاب‌هایی هستند تاریخی و گشوده در برابر ما که نمی‌توانند از اوضاع و احوال و نگرش‌های زمانه‌ای که به آن تعلق دارند یا ما سخن بگویند. کاشی می‌تواند سلیقه‌های حامیان به وجود آورنده، و هنر هنرمندان زمانه‌اش را باز گو کند. حتی می‌تواند نشاندهنده‌ی کارکرد ساختمانی باشد که دیوارهایش به این عنصر مزین شده است. بررسی عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری نقش‌های کاشی‌های مجموعه‌ی کاخ گلستان و همچنین بررسی



نتایج به دست آمده از نفوذ شیوه‌های غربی در نقش‌های مذکور، یکی از زمینه‌های تحقیقی در رابطه با این نوع تزئین در محدوده‌ی زمانی دوره‌ی قاجار است که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد. بررسی تداوم سنت و میزان نفوذ غرب و شناخت نمونه‌های خوب مجموعه نیز از موضوعاتی بوده‌اند که در این پژوهش مدنظر قرار گرفته‌اند.

در مجموعه‌ی کاخ گلستان که تنها بخش باقی‌مانده از ارگ تاریخی تهران است و در طول حکومت حدود یک قرن و نیمی قاجاریان (۱۲۰۰-۱۳۴۳ ق)، به عنوان مقر حکومت و اقامت سلاطین قاجار مورد استفاده بوده است، می‌توان شاهد تزئینات گوناگون و متنوعی بود که در این میان، کاشی‌کاری بخش قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده و این مکان را به مجموعه‌ای از نقش‌ها و رنگ‌ها تبدیل کرده است.

کاشی‌های مجموعه‌ی کاخ گلستان دارای نقش‌های متنوعی هستند که آن‌ها را بر حسب موضوع و مضمون می‌توان در این طبقه‌بندی قرار داد: اساطیری، شکار و شکارگاه، رزم و نبرد، بزم، عاشقانه، منظره و دورنما و بناهای تاریخی، گیاهی و جانوری، پادشاهان، درباریان و کارگزاران حکومتی، و مذهبی.

در بررسی عوامل تأثیرگذار بر نقش‌های کاشی‌های این مجموعه، می‌توان به این موضوع پی برد که گسترش روزافزون ارتباط با دنیای غرب و غربگرایی بیش از پیش طبقات خاصی از جامعه‌ی آن روز که حامیان هنر نیز بوده‌اند، بر شکل‌گیری نقش‌ها، چه از نظر موضوعی و چه از نظر شیوه‌های اجرایی آن‌ها، تأثیر به‌سزایی داشته است.

شاهان قاجار، به خصوص ناصرالدین شاه با توجه به مدت طولانی زمامداری‌اش در دوره‌ی قاجار، با سلیقه‌های شخصی و علاقه‌های خود دنیای تصویر آن روزگار را به سمت و سویی سوق دادند که به تدریج نقاشی ایران از ویژگی‌های سنتی‌اش فاصله گرفت. همچنین، نظرات، دیدگاه‌ها و فعالیت‌های هنری افرادی چون **فرست الدوله شیرازی** [حسینی، ۵۴۷۵۴۶: ۱۳۶۲] و آموزش‌دهندگان هنر آن دوره، **نظیر کمال الملک، صنیع الملک** [فلور، چکسواکی و اختیار، ۱۱۰: ۱۳۸۱] و... که طرح‌ها و آثارشان الگویی بود برای

هنرمندان دیگر در حرکت به سوی هر چه غربی‌تر شدن تصویرها و نقش‌های دوره‌ی قاجار، از عوامل مهم به شمار می‌روند. در بررسی نقش‌های کاشی‌های این مجموعه می‌توان تأثیرات آثار نقاشان اروپایی را به روشنی دید و در این میان، به خصوص آثار نقاشان رنسانس و باروک اروپا که توسط بزرگان هنر آن دوره، نظیر صنیع الملک و کمال الملک از اروپا آورده شده بودند و منبعی بودند برای آموزش نقاشان به هنرجویان آن زمان محسوب می‌شدند [همان، ص ۱۱۴]، از عوامل تأثیرگذار بر تصویرها و نقش‌های کاشی هستند. این تأثیرات را به خصوص می‌توان در کاشی‌های بخش تالار سراسری کاخ شاهد بود.

ورود دستاوردهای جدید تمدن غرب به نظیر صنعت چاپ سنگی و فن عکاسی نیز تأثیرات به‌سزایی در شکل‌گیری نقش‌های این مجموعه داشته‌اند. در زمینه‌ی تأثیرات چاپ سنگی می‌توان گفته تعدادی از مصوران کتاب‌های چاپ سنگی در نقش‌اندازی کاشی‌های این مجموعه شرکت داشته‌اند. چنان‌که امضای شخصی به نام **مصطفی** که از مصوران کتاب‌های چاپ سنگی آن زمان بوده است، روی چندین قطعه از کاشی‌های بخش تالار سراسری کاخ گلستان هنوز باقی است. آن گونه که از شیوه‌ی کار گروهی از این نقش‌ها پیداست می‌توان گفته تصویب‌های نسخه‌های چاپ سنگی آن دوره مورد تقلید و الگوبرداری کاشی‌نگاران این مجموعه بوده است.

توجه بسیار ناصرالدین شاه به امر عکاسی و علاقه‌ی او به عکس گرفتن از اشخاص و اماکن گوناگون، چه توسط خود او و چه توسط اطرافیانش، عامل تأثیرگذار دیگری بوده است در ایجاد گروهی از نقش‌های کاشی‌در این مجموعه. در این مورد به خصوص می‌توان به تعداد قابل توجهی از نقش‌های کاشی‌های بخش تالار سراسری کاخ اشاره کرد که تصویرهایی هستند از بناها و اماکن تاریخی ایران. عکس‌های مستندی از اماکن و بناها که به امر ناصرالدین شاه در سفرهای بزرگش گرفته می‌شد [طهماسب‌پور، ۱۱: ۱۳۸۱] و یا توسط حاکمان ولایات تهیه و برای او ارسال می‌گردید، الگوهایی بوده‌اند برای ایجاد این گونه نقش‌ها روی کاشی‌ها

گروهی از کاشی‌های این مجموعه دارای نقش‌های تأثیر گرفته از نقش‌ها و یا آثار به‌جامانده از دوره‌ی باستان ایران هستند که علت این تقلید را می‌توان ایجاد نوعی حس ملی‌گرایی در آن دوره دانست [پورتر، ۸۲: ۱۳۸۰]. جالب‌ترین آن‌ها، نقش‌هایی است از سکه‌های به دست آمده از دوره‌های باستانی ایران که تصویرهای آن‌ها روی کاشی منعکس شده است. ورود اسباب‌لوازم غربی و تقلید از آداب و رسوم غرب نیز از عوامل تأثیرگذار بر نقش‌های کاشی‌های مجموعه بوده است؛ نقش‌هایی مانند گوش دادن ناصرالدین شاه به نوای پیانو و یا نقشی از بالون. نقش‌های بسیاری نیز تحت تأثیر ورود کارت پستال‌ها، عکس‌ها و نقاشی‌های اروپایی شکل گرفته‌اند که اکثر آن‌ها نقش‌هایی از عمارت‌ها، بناها و منظره‌های



اروپایی هستند.

به‌طور کلی، نفوذ شیوه‌های غربی در نقش‌های کاشی‌های این مجموعه باعث ایجاد نوعی دوگانگی در آن‌ها شده است. به عبارت دیگر، به کارگیری شیوه‌های نقاشی غربی، همچون سایه روشن‌کاری، حجم‌نمایی و طبیعت‌گرایی، در کنار شیوه‌های سنتی تصویرسازی ایرانی در اکثر موارد باعث ایجاد ناهمگونی در آثار شده است. از طرف دیگر، به کارگیری اصول نقاشی غرب به صورت ناقص و غیراصولی صورت گرفته است و نشان می‌دهد که در اکثر موارد، نگارگر از این اصول بی‌اطلاع بوده و یا اطلاع کافی نداشته است.





در بررسی مضمون نقش‌های کاشی‌های این مجموعه می‌توان گفت، در اکثر موارد این مضمون‌ها ایرانی هستند؛ یعنی موضوعات و مضمون‌هایی که در دوره‌های پیشین نیز کاربرد داشته‌اند. اما در عین حال، شاهد ظهور مضمون‌ها و موضوعات جدید نیز هستیم؛ موضوعاتی مانند منظره‌نگاری (به شکل یک موضوع مستقل)، نقش‌هایی از طبیعت بی‌جان، ثبت بناهای تاریخی، ثبت وقایع اتفاق افتاده در همان زمان وقوع که حالت گزارشی دارند، مانند به پرواز درآوردن بالون، نمایش تفریحات معمولی زندگی مانند ماهیگیری، بادبادک‌هوا کردن، قدم‌زن در سطح شهر یا در گردشگاه‌ها که شاید بتوان نام صحنه‌های معمولی زندگی را به آن‌ها داد. هیچ‌یک از این موارد سابقه‌ای در هنر تصویری ما نداشته‌اند.

تنوع بسیار در نقش‌ها، مضمون‌ها و حتی شیوه‌های اجرای کار، در اکثر موارد حاصل تلفیق شیوه‌های سنتی و غربی هستند و هم‌باعت شده‌اند که یکپارچگی و یکدستی نقش‌های کاشی‌کاری دوره‌های پیشین، به خصوص دوره‌های صفویه در کاشی‌کاری این مکان دیده نشود. به عبارت دیگر، تلفیق ویژگی‌های نقاشی ایرانی با اصول و شیوه‌های نقاشی غرب، باعث ایجاد نوعی تضاد و دوگانگی در آثار شده است.

رنگ‌ها در اکثر موارد، رنگ‌های گرم و زمینی هستند. این مورد و رفتن نقش‌ها به سمت طبیعت‌پردازی و واقع‌نمایی باعث شده که فضای نقش‌های کاشی‌های مجموعه‌ی کاخ گلستان در مقایسه با دوران صفویه و ماقبل آن، فضایی زمینی را محسوس سازند و تجسمی باشند از جهان مادی تا جهان معنوی و فضاهای آرمانی نمونه‌های پیشین. البته در مواردی، هنوز آثاری از آرمان‌گرایی و تداعی فضاهای غیرمادی در نقش‌های کاشی‌های این مکان دیده می‌شود. برای مثال، می‌توان به چهره‌های آرمانی نقش‌های انسانی و یا قرار گرفتن نقش در فضایی که مکانی زمینی را نشان نمی‌دهد، اشاره کرد.

نکته‌ی قابل توجهی که در این پژوهش به آن دست یافته شد، وجود نمونه‌های قابل توجه و با ارزشی همچون کاشی‌های بخش تالار سرسرای مجموعه است که با آنچه راجع به کاشی‌های دوره‌ی قاجار تصور می‌شود، مغایرت داشت. این تحول در کاشی‌کاری این دوره که مربوط به محدوده‌ی زمانی اواخر دوره‌ی ناصری و اوایل حکومت مظفرالدین شاه است (۱۳۰۳-۱۳۱۶ ق)، طبق گفته‌ی محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، در آن زمان [افشار، ۴۵: ۱۳۷۴] او طبق آنچه مشاهده می‌شود، تحول قابل ملاحظه‌ای در کاشی‌کاری این دوره محسوب می‌شود. اگرچه در کاشی‌های این بخش باز هم

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر

سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- ۱. دانش آموزان ابتدایی
- ۲. دانش آموزان متوسطه اول
- ۳. دانش آموزان متوسطه دوم
- ۴. دانش آموزان هنرستان
- ۵. دانش آموزان فنی و حرفه ای
- ۶. دانش آموزان کاردانشگاه
- ۷. دانش آموزان دانشگاه
- ۸. دانش آموزان عالی

مجله های تخصصی (به صورت ماهنامه - ۱۲ شماره در هر

سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- ۱. آموزش ابتدایی
- ۲. آموزش متوسطه اول
- ۳. آموزش متوسطه دوم
- ۴. آموزش هنرستان
- ۵. آموزش فنی و حرفه ای
- ۶. آموزش کاردانشگاه
- ۷. آموزش دانشگاه
- ۸. آموزش عالی

مجله های تخصصی (به صورت ماهنامه - ۱۲ شماره در هر

سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- ۱. آموزش ابتدایی
- ۲. آموزش متوسطه اول
- ۳. آموزش متوسطه دوم
- ۴. آموزش هنرستان
- ۵. آموزش فنی و حرفه ای
- ۶. آموزش کاردانشگاه
- ۷. آموزش دانشگاه
- ۸. آموزش عالی

مجله های تخصصی (به صورت ماهنامه - ۱۲ شماره در هر

سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- ۱. آموزش ابتدایی
- ۲. آموزش متوسطه اول
- ۳. آموزش متوسطه دوم
- ۴. آموزش هنرستان
- ۵. آموزش فنی و حرفه ای
- ۶. آموزش کاردانشگاه
- ۷. آموزش دانشگاه
- ۸. آموزش عالی

مجله های تخصصی (به صورت ماهنامه - ۱۲ شماره در هر

سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- ۱. آموزش ابتدایی
- ۲. آموزش متوسطه اول
- ۳. آموزش متوسطه دوم
- ۴. آموزش هنرستان
- ۵. آموزش فنی و حرفه ای
- ۶. آموزش کاردانشگاه
- ۷. آموزش دانشگاه
- ۸. آموزش عالی



نفوذ غرب و انعکاس دنیای مادی را در نقش ها، حتی بیش تر از بخش های دیگر می بینیم، ولی این نقش ها در نوع خود و همچنین شیوه ی ساخت کاشی های آن در مقایسه با کاشی های سایر قسمت ها، قابل توجه هستند. غیر از موارد تأثیرگذار بر نقش های کاشی های این مجموعه که در سطرهای بالا به آن ها اشاره شد، گفته ی اعتمادالسلطنه مبنی بر این که از نمونه ی کاشی های موجود در بناها، عمارت ها و مسجدها مهم به جای مانده از دوره های قبل از قاجار، در دوره ی ناصری تأثیر گرفته و تجربه کسب کرده اند [پیشین] نیز می تواند از عوامل تولید چنین کاشی هایی با چنین نقش هایی باشد.

مشخص است که هنرمندان آن زمان در یک دوره ی تجربه و مرحله ی کشاکش بین شیوه های جدید هنری متأثر از غرب، و شیوه های سنتی قرار داشته اند که این دو کفه ی ترازو در نقش های کاشی های این مجموعه، گاهی به سمت ویژگی های غربی و گاهی به سمت ویژگی های سنتی در نوسان بوده است. به طور کلی، موارد تأثیرگذار بر نقش های کاشی های این مجموعه را می توان این گونه برشمرد:

- تأثیر گرفتن و الگوبرداری از آثار و تصویرهای وارداتی غرب.
- تقلید از شیوه ی کار نقاشان ایران و آموزش دیده که براساس اصول نقاشی غرب کار می کردند.
- گرایش به مضمون های ادبی.
- تأثیر صنعت چاپ سنگی.
- تأثیر فن عکاسی و عکس.